

به مردم امید دارم که صحنه را تغییر دهند

حسین مرعشی، دبیر کل حزب کارگزاران سازندگی:

گروه سیاسی | حسین مرعشی دبیر کل حزب کارگزاران سازندگی، می‌گوید برای بهبود اوضاع کشور، از سیاستمداران قطع امید کرده و به امید مردم دل بسته است. او عدم حضور اصلاح‌طلبان در دو انتخابات مجلس یازدهم و ریاست‌جمهوری سیزدهم را همان راهی دانسته که شورای نگهبان و ... می‌خواستند؛ البته او توضیح نداده که بر فرض شرکت بدنه اجتماعی اصلاحات، قرار بود به کدام نامزدها و با کدام سوابق رای داده شود. حسین مرعشی در گفت‌وگویی تفصیلی با «ایلنا» موضوع براندازی را به يك سیاهچاله تشبیه کرده که صحنه، پس از آن مشخص نیست. در ادامه مهم‌ترین نکات این مصاحبه می‌آید.

سیاست‌ورزی در ایران، تقریباً به زمین سخت خورده است. خودم در این دوره جدید (جبهه اصلاحات)، حضور ندارم و از حزب‌مان نماینده‌ای معرفی کردیم تا در آنجا حضور داشته باشد زیرا راهکاری برای خارج کردن اصلاحات از بن‌بست سیاسی امروزی که در آن حاضر هستیم، نداشتم.

تجربه من در انتخابات مجلس پنجم، مشابه شرایط امروز اصلاح‌طلبان است. از نتایجی که برای اولین بار تحت‌تأثیر نظارت استصوابی در انتخابات مجلس چهارم به دست آمد و جناح چپ که متوجه تغییرات سیاسی بعد از رحلت امام نشده بود، به دلیل رد صلاحیت و تغییر فضای سیاسی شکست خورد و يك فضای بسیار ناامیدی و یأس بر جناح چپ حاکم شد.

با تشکیل حزب کارگزاران، شوک سنگینی در فضای سیاسی ایران به وجود آمد و نتیجه این شوک آن بود که مجلس پنجمی بسیار متفاوت‌تر از مجلس چهارم شکل گرفت و امیدی در عرصه سیاسی به وجود آمد که در ادامه منجر به پیروزی آقای خاتمی در انتخابات ۷۶ شد. تمام دوران سیاست‌ورزی در جناح ما مبارزه بود. یعنی کار ما در هیچ مقطعی ساده نبود. این مبارزه با رقیب دایمی بوده که حالا دسترسی آنها به

نهادهای حاکمیتی بیشتر از ما بود اما نفوذ ما در جامعه از آنها بیشتر بوده.

از نظر من در دو انتخابات اخیر مجلس ۹۸ و ریاست جمهوری و شوراها ۱۴۰۰، اصلاح طلبان در همان زمینی بازی کردند که شورای نگهبان، نهادهای حاکمیتی و نظام می‌پسندید. یعنی آنها علاقه‌مند بودند تا اصلاح طلبان در نهادهای قدرت نباشند و به دنبال دولت و حکومت یکپارچه و یکدست بودند. اصلاح طلبان هم از این موضوع استقبال کردند. به نظر ما اصلاح طلبان هم با آنها همراهی کردیم یعنی در همان زمینی بازی کردیم که آنها می‌خواستند و این دو موضوع با هم هم‌افزایی پیدا کردند. خواست حاکمان و هم اشتباه اصلاح طلبان، برای بازی در آن زمینی که صاحبان قدرت می‌پسندید، هم‌افزایی ایجاد شد و ما را به نقطه‌ای رساند که همه موقعیت‌های رسمی در نظام سیاسی را از دست بدهیم.

اگر راهکار این است که می‌خواهیم با اپوزیسیون خارج از کشور همراهی کنیم و به دنبال براندازی برویم، اطمینانی وجود دارد که وضعیت ایران بهتر شود؟ یعنی براندازی یا تغییر کلی نظام سیاسی جمهوری اسلامی، در شرایطی که اجماع ملی درباره آن وجود ندارد. اگر در مورد نبودن جمهوری اسلامی اجماع ملی وجود دارد حتما نمی‌توان گفت در مورد آن، جایگزین وجود دارد یا نه. در اعتراضات سال گذشته که شکل گرفت، بخشی از نیروهایی که به میدان آمدند آنچنان علیه مقدساتی که مردم به آنها اعتقاد دارند، تند رفتند که خیلی از مردم با آنها همراهی نکردند. الان جایگزین جمهوری اسلامی به چه شکل می‌خواهد جلو بیاید؟ چیزی که در حال حاضر با همه مشکلاتش داریم، نتیجه انقلاب کاملاً مردمی، حضور امام، مراجع ثلاثه قم، تمام سیاسیون، از متلفه اسلامی در سمت راست گرفته تا حزب توده، فداییان خلق در سمت چپ است. همه جریان‌های سیاسی در صحنه حاضر بودند که نتیجه آن انقلاب اسلامی شده است.

حالا در شرایطی که هیچ رهبری مشخصی با ایده‌های معینی که خواسته‌های قشرهای مختلف جامعه که اعتراضی هم به جمهوری اسلامی دارند، نیست تا با آن همراهی کنند و آن را پوشش دهند، در شرایط امروز چه چیزی می‌تواند جایگزین جمهوری اسلامی شود؟

اگر آحاد ملت، سیاسیون و غیر سیاسیون يك مقدار احساسات را کنترل کنیم، ببینیم که بین این دو: ۱- ادامه وضع موجود که حتماً روز به روز چند اتفاق مهم پشت سر هم می‌افتد و همچنان فشار اقتصادی بر مردم تشدید شده، مهاجرت افزایش پیدا می‌کند، ناکارآمدی در سیستم‌های اداری و سیاسی تشدید می‌شود، هر روز قشري‌گری و فاصله گرفتن از محتواهای واقعی قوی‌تر می‌شود یا ۲- سیاهچاله‌ای به نام

براندازی است که نمی‌دانیم بعد از آن چه کسی می‌خواهد ایران را جمع کند؟ بین این دو موضوع، عقلای قوم، سیاسیون، مردم و بزرگان مملکت نمی‌توانند راه‌حلی پیدا کنند؟

مردم ایران! سیاست شما را رها نمی‌کند و تعطیل نمی‌شود. سیاست جریان دارد و تمام ابعاد زندگی شما را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. اگر خودتان در صحنه نباشید و سیاست را مدیریت و کنترل نکنید و به سیاستمداران شلاق نزنید، زندگی‌تان درست نمی‌شود.

در انتخابات مجلس پنجم، مردم تهران، خانم فائزه هاشمی را به صدر لیست می‌برند ولی در انتخابات مجلس ششم احوال او را نمی‌پرسند و نفر هفتم می‌شود. آقای رضا خاتمی، آقای نبوی و کروبی، در انتخابات مجلس ششم، بقیه را با یک میلیون و ۷۰۰ هزار رای به مجلس می‌فرستد. در انتهای مجلس ششم وقتی ۱۲۰ نماینده مجلس در مجلس تحصن کردند؛ از آن تعدادی که به آنهایی رای دادند، مردم به مجلس رفتند تا از نمایندگان حمایت کنند؟ خیر.

سیاست مبارزه، زدن و خوردن است. تا خوردی که نباید به خانه بروی و بنشیني. باید بیایید و محکم‌تر بزنید. کسی که نتواند بفهمد سیاست، مبارزه است که نمی‌تواند کار سیاسی کند. راه‌حل مسائل کشور، پذیرفتن این موضوع است که سیاست، میدان مبارزه با نهادهایی است که ممکن است علاقه‌مند باشند تا خارج از اختیارات قانونیشان اعمال حاکمیت کنند. باید رفت، آنها را به چالش کشید و مردم را توجیه کرد.

جامعه و مردم ایران فقط طرفداران پروپاقرص حاکمیت و به قول قدیمی‌ها، مریدهای تنوری نیستند. فقط جمعیتی که امام، رهبری، اسلام و انقلاب را صددرصد قبول دارند نیست، ملت ایران متنوع و متکثر است. اگر امروز کسی به فکر دفاع از اسلام و ایران، اگر دلسوز مردم ایران، دلسوز توسعه و عزت ایران در خاورمیانه و جهان است، باید به جامعیت این جامعه توجه کند. ما باید تفکر انحصارگرایانه و نگاه به یک گروه خاص از طرفداران حاکمیت را تغییر دهیم و باید همه ملت را درگیر کنیم.

ما یک انقلاب ۵۷ داشتیم که ممکن است ۸۰ درصد مردم را پوشش دهد. امروز آنهایی که انقلابی هستند، حداکثر ۱۵ درصد از جامعه با آنها همکاری می‌کنند.

قبل از اینکه با افکار، اندیشه‌ها، راهکارهای ایدئولوژیک و مذهبی نگاه کنیم و در کوره مذهبی کردن کشور، بدمیم که نتیجه‌اش می‌شود فاصله گرفتن مردم از مذهب، کشور به یک گرایش کاملاً ملی‌گرایانه نیاز دارد. یعنی ایدئولوژی امروز کشور باید ملی‌گرایی باشد. ملی‌گرایی باید جایگزین نگاه‌های افراطی اسلام‌گرایانه شود.

مگر میشود در کشوری، اکثریت مردم ناراضی باشند و آن کشور در آرامش زندگی کند؟ ما خیلی به سرعت در چرخش نیاز داریم و این چرخش را باید مدیریت کنیم و برویم به سمت آنکه کاری کنیم تا ملت به صحنه برگشته و تاثیرگذار باشند.

در سیاست خارجی که بنیان خیلی از سیاست‌های کشور است، باید به سمت سیاست متعادل پیش برویم و باید حتما روابطمان با کشورهای مختلف براساس منافع ملی باشد و نه غیر از آن. باید حتما با چین، اروپا، امریکا، روسیه و تمام دنیا کار کرده و متناسب با منافع ملی روابط مناسب داشته باشیم.

اگر آقای بن‌سلمان متحد امریکا است، آیا منافع ملی خود را زیر پا می‌گذارد؟ خیلی راحت با پوتین هماهنگ کرده و قیمت نفت را تحت تاثیر قرار داده و قیمت آن را بالا می‌برد. چون از آن نفع می‌برد. چه دلیلی دارد که در دنیا فکر کنیم، باید دست به انتخاب بزنیم؟ مگر کشورهای دیگر را ما تعیین می‌کنیم که قدرت و جایگاه‌شان چقدر باشد؟ اینها وجود دارند و ما باید متناسب با منافع ملی سیاست خارجی‌مان را تنظیم کنیم.

من امیدی به سیاسیون ایران ندارم؛ به مردم امید دارم که صحنه را تغییر دهند.

برخی در حاکمیت علاقه‌مند به محو ما بودند و ما خودمان در همان مسیر قدم زدیم. ما همان کاری را کردیم که آنها می‌خواستند. وقتی همه ما باهم و بدون شکاف در انتخابات شوراها، شرکت کردیم در تهران سه هزار رای آوردیم. مردمی که چهار سال قبل از آن یک میلیون و ۷۵۰ هزار رای به آقای محسن هاشمی دادند، تصمیم گرفتند رای ندهند. در شورای شهر ۱۳۹۶، ۲۱ عضو شورای شهر تهران، از اصلاح‌طلبان انتخاب شدند. ۴ سال تهران در اختیار ما بود، آیا شما در این ۴ سال حس کردید که اقدام خاصی انجام دادیم؟ اگر ملت فرصتی به شما می‌دهد و شما از آن فرصت استفاده نمی‌کنید، انتظار دارید دوباره ملت به شما فرصت بدهد؟

اگر ما در تهران، شهردار انتخاب می‌کردیم که در آخر دوره، شما احساس می‌کردید اصلاح‌طلبان برای تهران کار مهمی کردند، آیا انتخابات همین وضع را پیدا می‌کرد؟ وقتی در مجلس نهم فراکسیون معتبری نداشتیم اما در مجلس دهم فراکسیون ۱۲۰ نفره به ریاست آقای عارف تشکیل شد و آقای روحانی هم رئیس‌جمهور بود، آیا از فرصت تاریخی استفاده کردیم یا نکردیم؟

اگر اصلاح‌طلبان یا اصولگرایانی مانند آقای لاریجانی انتظار دارند تا شورای محترم نگهبان، جبهه پایداری، نهادهای نظامی برای آنان فرش قرمز پهن کنند، آوانس بدهند و فرصت مبارزه عادلانه بدهند

معنايش اين است كه اصلا سياست را نشناختند.
(براي انتخابات) مجلس دهم گفتيم جبهه پايداري تصميم دارد
حداقل ۱۸۰ كرسي در انتخابات داشته باشد. ما جبهه پايداري را به
۶۰ كرسي رسانديم. در مقابل آقاي ذوالنور در قم، از آقاي لاريجاني
حمایت كرديم. آيا مفهوم اين حركت اين بود كه آقاي لاريجاني
اصلاح طلب بوده و قرار است زير دست آقاي عارف بنشيند؟ اين درست
نيست.

همه دوستانى كه ميگويند در انتخابات شركت نكنيد، بايد بگويند
چه كار كنيم؟ بايد يك راه حلي هم وجود داشته باشد كه به آن فكر
كنيم. مثلا ميگويم جمهوري اسلامي الان از بين ميروند و نابود ميشود،
سال ديگر جمهوري اسلامي به يك جمهوري شيك و مرتب ملي تبديل شده
است؟ چنين اتفاقي در راه است؟ قاعدتا پاسخش منفي است. ميخواهيد
بگويد جمهوري اسلامي از تحريمهايي كه عليه من، شما و خانم هاشمي
ميكنند ميترسد و با ما فوري وارد گفتوگو ميشود؟ خير. با ترك صحنه
انتخابات حاكميت يك دست شده، همه مسائل حل ميشود، آب و نان به دست
مردم ميرسد و زندگي مردم مرتب ميشود؟ خير. پاسخ همه اين سوالات
منفي است.

تحريم انتخابات هم ميتواند يكي از راه حلها باشد، اما همه
راه حلها نيست. براي شما ممكن است در يك مقطع، توسط حزب و جناحي
به دلايل روشن مطرح شود و بگويد اگر اين دوره انتخابات را تحريم
كنيم، بهتر است. بايد محاسبه عقلايي كنيم كه اگر تحريم كنيم بهتر
است، سپس تحريم كنيم.

منبع: روزنامه اعتماد 28 تير 1402 خورشیدی